

مجری معانی

مهدی الماسی

مجری معانی / خسرو احتشامی هونه‌گانی با همکاری سیاوش احتشامی / سورة مهر / چاپ اول ۱۳۹۰.

جدول کشی کار: کسی بود که در اطراف متن کتاب‌ها و یا قطعات خط و نقاشی خطوط رنگینی را به صورت هنرمندانه و در نهایت دقت رسم می‌کرد و از طریق این کار هنری امرار معاش می‌کرد. **جلد سوخت:** نوعی از جلد چرمی بود که به وسیله دو قالب فلزی (معمولاً از جنس برنج) که آنها را با آتش در دمای معینی حرارت می‌دادند و چرم آب شده‌نمدار را در قالب می‌گذاشتند و با فشار ضربات چکش نقوش قالب‌ها را بر روی آن منتقل می‌کردند. در این حال چرم به صورت قهوه‌ای سیر یا رنگ سیاه درمی‌آمد و به همین علت آن را جلد سوخت می‌نامیدند.

لباس روغنی: لباسی که آن را در روغن کتان چرب کرده و خشک می‌ساختند تا آب در آن نفوذ نکند، این لباس را در روزهای بارانی می‌پوشیدند.

موزه گل‌دوز: گیوه‌هایی که گل‌دوزی می‌شد و احتمالاً زنان می‌پوشیدند.

در دوره صنعتی شده معاصر این شغل‌ها و صنعت‌ها و هنری که در آنها به کار می‌رفته است، دیگر محلی از اعراب ندارند و حتی گاهی نام این هنرهای دستی که روزگاری گذران زندگی و تلاش معاش برخی از افراد جامعه ایرانی وابسته به آنها بود، برای اغلب ما غریب می‌نماید. این نام‌ها و اصطلاحات را دیگر باید در کتاب‌های تاریخی جست‌وجو کرد. هنرهای صناعی که زمانی در متن زندگی ایرانیان حضور داشتند، در برخی از هنرهای سنتی به جا مانده‌اند اما اکثر آنها برای آدم‌های زمانه ما مهجور و غریبه‌اند. سیطره فناوری و تولیدات آن جایی برای جلوه این صنعت‌های هنری و هنرهای صناعی نگذاشته‌اند. با این همه، شناخت ایران و هنر آن بدون آشنایی و شناخت کافی از هنر مردمانش ممکن نیست. این کار زمانی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که جست‌وجوگر به نیت پژوهش و مطالعه یکی از مهم‌ترین ادوار اوج و شکوه هنر ایران یعنی دوران صفوی کار خود را آغاز کند. اقتدار سیاسی حکام صفوی و آرامش نسبی حاکم بر ایران آن دوران، زمینه مساعدی را فراهم آورد تا بخشی از استعدادهای فرهنگی و هنری مردم مجالی برای رشد و توسعه بیابد. از طرفی، ذهنیت و خلاقیت هنری بر همه ابعاد زندگی و جامعه آن روزگار سایه افکند و زندگی و صنعت و هنر تا حد ممکن و با



توجه به مقدرات و توانایی‌های فناوری همان زمان به یکدیگر نزدیک شد. اما از آن جا که مردمان و هنرمندان و صنعتگران در متن دستاوردهای هنرهای صناعی خود زندگی می‌کردند، نیازی به ثبت و ضبط چون و چند اشیا و تولیدات هنری و جزئیات شغل و پیشه خود نمی‌دیدند. در چنین وضعیتی، زمانی که هجوم فناوری مدرن موجب از بین رفتن و یا به انزوا کشیده شدن بسیاری از هنرهای صناعی گردید، اسناد و اطلاعات جامع و مکتوبی از آنها برای ما باقی نماند. اما آنچه از آن همه داریم، اشارتی است جسته گریخته در کتاب‌های لغت، ابیات شاعران و برخی متون کهن دیگر. البته در این میان و به‌خصوص در عصر صفویه، مشاهدات و سفرنامه‌های سیاحان و جهان‌گردان فرنگی از ایران و توضیحات و توصیفات آنان از مظاهر و جلوه‌ها و گاه مشاغل و حرف، غنیمتی است ارزشمند که می‌تواند تصویری هر چند محدود از وضعیت و چگونگی مشاغل و پیشه‌های هنری صناعی آن روزگار به دست دهد اما مطالب نوشته شده در این سفرنامه‌ها نیز پراکنده و گاه اشاره‌وار و دسترسی به آنها دشوار است. آقای خسرو احتشامی هونه‌گانی با تألیف کتاب **مجری معانی** - که فرهنگی است در تعریف نگاری واژه‌های هنری و صنعتی در متون دوره صفوی - به یاری علاقه‌مندان مطالعه در هنر این عصر آمده است. این فرهنگ هم به کار پژوهشگران تاریخ هنر ایران و هم علاقه‌مندان هنرهای سنتی و هنرجویانی می‌آید که در این موضوعات کار می‌کنند.

این کتاب در مواردی نیز می‌تواند گره از برخی مشکلات شعرخوانان و دوستداران ادبیات و شعر فارسی بگشاید؛ به‌ویژه در خوانش اشعار سبک هندی و اشارات ظریف این شاعران به هنرهای صناعی روزگار خود بسیار سودمند افتد.

مؤلف در توضیح هر واژه هنری و صنعتی بیشترین بهره را از سفرنامه‌های سیاحان فرنگی در عصر صفویه برده و از این جهت زحمتی پژوهشگران را متحمل شده است؛ بدین ترتیب که در ذیل اغلب واژه‌ها یا اصطلاحات شاهد مثالی از شعر فارسی آورده است؛ بیت یا ابیاتی که شاعران رنگین‌خیال سبک هندی با تکیه بر واژه یا اصطلاح صناعی مربوطه خیال‌بندی و مضمون‌سازی کرده‌اند.